

# فصل اول

## کلیات تحقیق

### ۱-۱- تعریف بزهکاری

تلاش نظام عدالت کیفری برای دستیابی به فرآیندهای مثبت و موثر در مقابله با بحران جرم در جامعه مستلزم گذر از مرزهای گوناگون علمی، تجربی و کارکردی است. مرزهایی که به مطالعات وسیع جامعه شناختی، روان شناختی و جرم شناختی منتهی شده و درصددند تا با تحلیل کامل پدیده بزهکاری نتایج مثبتی را نصیب نظام عدالت کیفری سازند. نتایجی که بتوان از آنها به عنوان سنگ بنای نهادهای پیشگیرنده اصلاحی و درمانی استفاده نمود. تبیین مطالعات وسیع و چند جانبه ای در حوزه های مختلف جرم شناختی با تکیه بر چنین پدیده بزهکاری آغاز شده و در نهایت تمرکز خود را بر نتایج حاصل از ساختارهای علمی و عملی اصلاح کننده و تربیتی نهادهای عدالت کیفری معطوف می سازد. (عظیم زاده - شادی - پایداری در بزهکاری در حقوق ایران و امریکا چاپ اول - ص ۱۹)

مفهوم یک رفتار ضد اجتماعی یا آسیب رسان به جامعه بیش از هر چیز مبتنی است بر پذیرفته های اکثر حاکم بر جامعه، هنجارهایی که در اکثر مواقع در قوانین و مقررات تدوین شده منعکس

می باشد و هر آنچه که منتهی به نقض تا تخطی از مرزهای آن تعاریف باشد به عنوان رفتاری قابل سرزنش تحت واژه هایی چون (جرم، بزه، بزهکاری، انحراف، ناهنجاری و پدیده مجرمانه) شناسایی خواهد شد (همان منبع)

جرم با مفهومی تقنینی و رنگ و لعابی ساخته و پرداخته قانونگذار جلوه ای است از رفتارهای خلاف قانون که مستلزم ضمانت اجرایی عملی و موضوعه خواهد بود کاربرد واژه جرم معمولاً به مواردی محدود می شود که قانون یا هنجارهای رسمی و مکتوب جامعه آن را منع کرده و ارتکاب آن، این نوع هنجارها را نقض می کند (کیدنز - آنتونی - ۱۳۷۸) «جامعه شناسی - ترجمه منوچهر صبوری - نشر نی - چاپ پنجم - ص ۱۳۳».

پدیده بزهکاری واژه ای است منحصر در علوم جرم شناختی که به عنوان پدیده ای توده ای به مجموع جرم های ارتكابی در زمان و مکان خاص گفته می شود. حجمی از جرم های یک جامعه در یک برهه زمانی اعم از اینکه این بزهکاری ظاهری باشد، یعنی با آمار و ارقام ثبت شده باشد یا آنکه بزهکاری واقعی بوده و در حیطه ی جرم های افشا نشده و متصف به ارقام سیاه باشد. این حجم از جرم ها هستند که مبنای مطالعه ی جرم شناسان قرار گرفته تا براساس سن، جنسیت، انگیزه، ابزار ارتکاب یا تعداد افراد شرکت کننده، مطالعات علت شناختی خود را در مورد پدیده بزهکاری تکمیل کرده و آنرا به نتایج موثر و کارآمد منتهی نمایند.

«بزه» یا **Delinquency** برخلاف «جرم» یا **Crim** رفتاری مخالف با قانون از جانب افرادی است که به سن رشد قانونی نرسیده اند و جامعه سوء نیتی را که در رفتارهای مجرمانه بزرگسالان ممکن می بیند در رفتارهای ایشان مشاهده نمی کند و این رشته از قانون شکنان را همانند بزرگسالان قابل تعقیب نمی داند (صدیق سروستانی - رحمت الله (۱۳۷۴) جزوه آسیب شناسی اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی ص ۲۰)

از این میان (انحراف) یا **Deviance** عدم رعایت و نقض هنجارهای گروهی و اجتماعی است که رنگ اخلاقی در آن غالب است و برخلاف جرم یا بزه فاقد ضمانت اجرای کیفری بوده و توأم با سرزنش گروهی و اجتماعی خواهد بود (نجفی ابرند آباد - علی حسینی «جزوه درسی جرم شناسی» دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی - سال تحصیلی ۱۳۷۳ - ص ۴)

«پدیده مجرمانه یا بزهکاری» در برگیرنده انحراف، کژروی و جرم است. رفتارها و حالاتی که به دلیل بروز حالت خطرناک به نحو بالفعل یا بالقوه در نتیجه ارتکاب یکی از این نوع رفتارها، زمینه‌ی مداخله نظام کیفری و نظام‌های رسمی دارای ضمانت اجرای قانونی و یا نظام‌های غیررسمی مانند جامعه مدنی را فراهم می‌سازد.

(نجفی ابرندآبادی - علی حسینی - «جزوه درس سیاست جنایی» دانشکده حقوق شهید بهشتی - سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸ - ص ۱۹)

## ۱-۲- انواع بزهکاران

### ۱-۲-۱- بزهکار مجرب

بزهکاران مجرب اشخاصی هستند که به دلیل ارتکاب جرم‌های پیشین محکوم به مجازات حبس شده و با ارتکاب جرم جدید نیز به حبس محکوم خواهند شد و با داشتن سابقه حبس به دلیل جرم‌های متعدد، بزهکاری با سابقه کیفری محسوب شده، بی‌آنکه این تکرار رفتار مجرمانه و مقاومت در برابر واکنش عدالت کیفری آنان را بازداشته باشد یا منعطف به نوع ویژه‌ای از جرم‌ها کرده باشد. بزهکاران مجرب عمدتاً به مجازات حبس محکوم شده‌اند و تحمل شدیدترین نوع واکنش کیفر (حبس) به دفعات متعدد در مجرب شناختن این دسته بزهکاران تعیین‌کننده است (شفیعی - شفیع «خطر تکرار جرم در سن و دوره‌های مختلف زندگی بزهکاری» مجله دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی شماره ۵).

### ۱-۲-۲- بزهکار حرفه‌ای یا پیشه‌ای

بزهکاران حرفه‌ای، مرتکبین مکرر عمدتاً جرم‌های مالی ساختار یافته و غیرخشن می‌باشند که برای کسب سرمایه و امرار معاش جرم را جزئی از زندگی خود قرار داده و با پیشه نمودن بزهکاری به عنوان ابزار اقتصادی گذران حیات، به نوعی از حیات مجرمانه دست یافته‌اند. بزهکاران مذکور با رفتار ضد اجتماعی زودرس، تمایلات بزهکارانه خود را در سنین پایین نشان داده و در طول زمان به ارتکاب آن رفتارها اصرار ورزیده و در اکثر موارد نیز با بالارفتن سن، اعمال مجرمانه خود را کاهش خواهند داد. دوران پختگی جنایی در بزهکاران حرفه‌ای از سنین

۲۵ تا ۳۵ سالگی آغاز خواهد شد و دوران افول فعالیت های بزهکاری در ایشان از سنین ۳۵ تا ۴۰ سالگی خواهد بود. (نجفی ابرنآبادی - علی حسین «جزوه درسی جرم شناسی» پیشین ص ۱۰).

دو گونه فوق الذکر براساس تجربه بزهکار در کیفیت پافشاری و تمایل بزهکار در تداوم رفتار مجرمانه قابل تقسیم بندی و تمیز می باشند.

### ۱-۲-۳- بزهکاران مزمن

بزهکاران مزمن غالباً جوانان بزهکار غیرخطرناک هستند که رفتارهای ضد اجتماعی شان با کمترین میزان تشدید تدریجی خطر همراه است. به این لحاظ وصف غیرخطرناک در ایشان بکار برده می شود که رفتارهای مجرمانه شان به آن حد از خطر نرسیده است که مستلزم برخورد شدید نظام عدالت کیفری باشد. اما این نکته را باید به خاطر داشت که عدم واکنش پیشگیرنده مناسب آنان را به بزهکاران حرفه ای در سنین جوانی تبدیل می کند حالت خطرناک مزمن در این فرایند، وضعی روان شناختی - اخلاقی است که در بزهکاران حرفه ای و به عادت مشاهده می شود (کی نیا - مهدی - «۱۳۸۰» روان شناختی جنایی جلد نخست - انتشارات رشد چاپ سوم تهران - ص ۳۴۳)

این بزهکاران جوان با اوصافی چون دمدمی مزاج بودن و تغییر مداوم در رفتارهای مستمر مجرمانه، در دنیای بسیار انعطاف پذیری از جرم به سر می برند و نسبت به مجازات ها بی تفاوت بوده و دچار عدم احساس ارزیابی واکنش هایی اند که در انتظارشان می باشد (نجفی ابرآبادی - علی حسین «جزوه درسی جرم شناسی» دانشکده حقوق شهید بهشتی - (تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ - ص ۱۰-۱۴).

بزهکاران دارای حالت خطراک مزمن، دچار ظرفیت جنایی بالا و میزان سازگاری اجتماعی پایین هستند و هرچند نسبت به بزهکاران دارای حالت خطرناک شدید، برای جامعه خطر کمتری را به همراه می آورند اما در ردیف مشتریان همیشگی نظام عدالت کیفری به شمار می روند «نیازپور - امیرحسین - (۱۳۸۷) (بزهکاری به عادت از علت شناسی تا پیشگیری) انتشارات فکرسازان - چاپ اول تهران - ص ۶۳-۶۲).

### ۱-۲-۴- بزهکاران به عادت

بزهکاران به عادت، ارتکاب فعالیت جنایی به وسیله کسی است که دچار مشکلات روانی می‌باشد (نجفی ابرند آبادی - علی حسین (جزوه درس جرم شناسی) دانشکده حقوق شهید بهشتی - سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰ ص ۱۵-۱۳).

از این رو بزهکار به عادت فردی است که صفات مجرمانه آشکار و یا پنهان در ساختار روانی او وجود دارد اما مجنون محسوب نمی‌شود. با این حال به طور مستمر مرتکب جرم شده و برای جامعه خطرناک می‌باشد. از منظر جرم‌شناختی، بزهکار به عادت فردی است که به دلیل ساختار خاص روانی و شخصیتی به ارتکاب چندین باره جرم می‌پردازد بی آنکه تأکیدی بر تکرار جرم پیشین داشته باشد. آنان از ارتکاب هر جرمی استقبال می‌کنند فارغ از هرگونه هدف مبتنی بر کسب سود یا روشی ساختارمند (نیازیور امیرحسین (۱۳۸۷) پیشین - ص ۵۴-۵۳).

در این راستا بزهکار به عادت برخلاف بزهکار حرفه‌ای کاملاً غرق در فعالیت جنایی نیست، او انواع و اقسام رفتارهای مجرمانه را که ممکن است تجربه نماید و تمایل آشکار به ارتکاب جرم‌های جدید دارد و او را باید مرتکب متعدد جرم‌های مختلف دانست (کی‌نیا - مهدی - (مبانی جرم‌شناختی - ج ۱ انتشارات دانشگاه تهران - چاپ هشتم - ص ۵۵۷).

### ۱-۲-۵- بزهکاران مصرّ یا سرسخت

بزهکاران سرسخت، بزهکارانی با ظرفیت جنایی بسیار بالا و توانایی پایین در سازگاری با جامعه‌اند. آنان هرچند از بزهکاران تکرارکننده‌ی خطرناک کم‌خطرتر هستند اما می‌توان ایشان را بخشی از بزهکاران حرفه‌ای دانست که در برهه‌ای بیش از ده سال به حیات مجرمانه‌ی مداوم دست یافته‌اند. لزوم بازداشت پنج بار یا بیشتر و یا زوم محکومیت شش بار یا بیشتر بین ده تا هجده سالگی نشانه‌ی وصف بزهکاری مصرّ یا سرسخت فرض شده است (عظیم‌زاده - شادی - «پایداری در بزکاری در حقوق ایران و امریکا» انتشارات جاودانه - چاپ اول - سال ۱۳۹۰ -

بزهکاران جوان مصرّاً از لحاظ جرم شناختی افرادی اند که رفتارهای ضد اجتماعی شان با درجه بالا از حالت خطرناک در سنین نوجوانی بروز کرده و بیشترین تمایلشان نیز بر جرم های علیه اموال از جمله سرقت و تخریب البته توأم با خشونت خواهد بود (همان منبع).

### ۱-۲-۶- بزهکاران تکرار کننده خطرناک

این دسته از بزهکاران واجد ظرفیت جنایی بسیار بالا و گاه حتی میزان سازگاری اجتماعی بالا نیز هستند، چنانکه با آگاهی کامل و سنجش میزان خطر و حتی با ظاهری موجه، دست به ارتکاب جرم های بسیار خشن و خطرناک می زنند. آنان را می توان جانپان مصر در جرم های خطرناک دانست که سال های زیادی از عمر خود را در حبس های طویل المدت می گذرانند. محکومیت به حبس های طولانی مدت و مجازات اعدام به دلیل ارتکاب جرم هایی چون تجاوز جنسی، سرقت مسلحانه، آدم ربایی و قتل عمد در سوابق کیفری ایشان قابل مشاهده است (همان منبع).  
اقسام فوق الذکر از بزهکاران را می توان براساس شدت و ضعف در حالت خطرناک به چهار دسته مذکور تقسیم نمود.

اعتیاد و بزهکاری دو مقوله است که البته رابطه تنگاتنگ با یکدیگر دارند و در عین حال تاثیرات سویی بر جامعه خواهند داشت. رابطه میان ارتکاب جرم و اعتیاد برای نخستین بار در دهه ۱۹۳۰ در امریکا مورد توجه قرار گرفت بررسی ها در سال ۱۹۷۳ روی یک هزار معتاد به موادمخدر نشان داد که ۸۰٪ درصد آنها قبل از اعتیاد هیچ نوع بزهکاری اجتماعی نداشتند در حالی که ۶۷٪ این افراد پس از اعتیاد مرتکب جرم شدند. تحقیقات دیگری در سال ۱۹۴۳ در امریکا نشان داده که از میان یکهزار و سی و شش معتاد ۷۵٪ قبل از اعتیاد سابقه محکومیت نداشتند و ۸۶٪ آنها پس از اعتیاد محکومیت را تجربه کرده اند.

همچنین در تحقیقاتی که بر روی دانش آموزان یکی از دبیرستان های امریکا به مدت ۸ سال در سال ۱۹۷۸ صورت گرفته است مشخص شد که استفاده از موادمخدر و ارتکاب جرم رابطه مستقیم با یکدیگر دارند. و میزان بزهکاری همگام با بالا رفتن مصرف موادمخدر افزایش پیدا می کند.

(دکتر باصری - علی اکبر - رابطه میان اعتیاد و جرم - نشریه داخلی قوه قضاییه)

### ۱-۳- پیشگیری از جرم

مبارزه با رفتارهای کژروانه و تلاش برای واکنش های ضد اجتماعی از دیرباز تاکنون در رئوس اهداف نظام عدالت کیفری در جوامع مختلف قرار گرفته است مبارزه ای که مدت ها با رنگی از انتقام جویی و وجهی کیفر مآبانه پی گرفته شده و در آن هدفی جز حمایت جامعه از طریق سرکوب و سزادهی بزهکار حائز اهمیت نبود. اما مبارزه علمی با پدیده بزهکاری، مبارزه ای مبتنی بر ساز و کارهای اندیشه و اتخاذ برنامه هایی از پیش تعیین شده به ویژه از اوایل قرن بیست میلادی، و با گسترش علم گرایی در پدیده اجتماعی مورد توجه دست اندرکاران عدالت کیفری قرار گرفت و از آن زمان به بعد بود که شناخت بزهکاری چرایی و چگونگی وقوع آن و متعاقباً دست یابی به روش هایی برای رویارویی با جرم بر یافته های علمی جرم شناسانه به عنوان ضرورتی انکارناپذیر مطرح شد.

تعریف یکسانی برای مفهوم پیشگیری از جرم وجود ندارد هرکدام از نویسندگان و پژوهش ها تعریف های گوناگونی از پیشگیری ارائه کرده اند بسیاری از تعریف های اولیه کنترل جرم را به جای پیشگیری از جرم یا در دل تعریف به کار می برند. اصطلاح کنترل جرم با نگهداشتن نرخ جرم در سطحی مشخص و مدیریت بخشی از رفتار مجرمانه در پیوند است اما بدیهی است که پیشگیری در معنای درست، فراتر از تنها نگهداری جرم در سطح مشخص یا مدیریت جرم و مجرمان است. پل اکلوم تعریفی را پیشنهاد می کند که محور اصلی آن تدابیر و سیاست های کاهش دهنده ی خطرپذیری جرم و پیامدهای آن است که این تعریف هم به جرم و هم به تأثیر آن بر جامعه توجه دارد.

استیون پی لاب - پیشگیری از جرم-ترجمه دکتر شهرام ابراهیمی - دانشنامه بزه دیده شناسی و جرم شناسی - نشر میزان - چاپ اول - زمستان ۱۳۹۳ ص ۲۹۱ (دانشنامه بزه دیده شناسی و پیش گیری از جرم - پیشگیری از جرم - ترجمه دکتر شهرام ابراهیمی - صفحه ۲۸۱).

یکی از پیامدهای بسیار مهم جرم که بایستی در کلیه طرح های پیشگیرانه به آن توجه شود ترس از جرم است. در حالی که بیشترین تعریف هایی که از پیشگیری از جرم ارائه می شود کاهش میزان جرم یا محدود کردن افزایش دوباره در جرائم را در یک تعریف می آورند.

اقدامات پیشگیرانه از جرم، تنها محدود به کوشش های نظام عدالت کیفری نیست بلکه فعالیت های افراد، گروه ها و به طور کلی بخش دولتی و خصوصی را نیز در بر می گیرد. چون ارتکاب جرم و بزهکاری علت های گوناگونی دارد رویکردهای پیش گیری از جرم نیز گوناگون هستند (همان منبع)

## ۱-۴- تاریخچه

پیشگیری از جرم ایده ی تازه ای نیست. در واقع از زمانی که افراد بزه دیده قرار می گرفته اند اقدامات و تلاش هایی نیز در راستای محافظت از خود و خانواده شان انجام می دادند لیکن اصطلاح پیش گیری از جرم، به معنای مجموعه تدابیر مقابله با جرم مطرح است بسیاری از مردم معتقدند پیش گیری از جرم به ویژه در پیوند با مشارکت شهروندان مفهومی نوین می باشد اما در حقیقت بسیاری از فعالیت های تازه ای را که زیر عنوان پیشگیری از جرم طبقه بندی می شود را می توان در طول تاریخ مشاهده کرد. ایده ها و راهکارهای نوین پیش گیری از جرم، اغلب صورت سازی تازه ای از روش های گذشته است و یا آن که مفهوم گسترده ای است از رویکردهایی اساسی که در گذشته های دور اعمال می شده اند. ابتدایی ترین پاسخ هایی که در گذشته به جرم و بزه دیدگی داده می شد بر عهده فرد و خانواده وی بود و از سوی آنان صورت می گرفت. مجازات، انتقام گیری و خونخواهی از جمله عامل های محرک در درازای روزگاران نخستین تاریخ بوده اند. اگرچه این گونه اقدامات در راستای حمایت از بزه دیده به کار می رفت ولی افزون بر این باعث از میان بردن منافی می شدند که مرتکبان جرم در پی آن بودند در واقع فرض بر این بود که ملاحظه منافع اندک ناشی از جرم از جانب بزهکاران بالقوه، نقش بازدارندگی داشته و مانع گذر از اندیشه به عمل از سوی آنان می شده است. قانون حمورابی سزادهی از سوی بزه دیدگان یا خانواده هایشان را به عنوان پاسخی پذیرفتنی نسبت به رفتارهای مجرمانه پیش بینی کرده بود. قانون قصاص، اصل چشم در برابر چشم به طور ویژه به عنوان اصل محرکی در قانون حمورابی بیان شده است (همان منبع).

این گونه قوانین و روش ها نوعی مشروعیت جهت واکنش به رفتارهای خودسرانه شهروندان می بخشید.